روزنه آبی

جهش ناگهانی دستمزد بازیگران

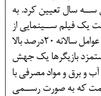

محمد نیک‌بین

■ طبعا نمی‌شود درصدی برای رشد قیمت فیلمسازی در طول این سه سال تعیین کرد به طور کلی قیمت ساخت یک فیلم سینمایی از کارهای جزیی تا قیمت عوامل سالانه ۱۰درصد بالا رفته است. اما درباره دستمزد بازیگرها یک جهش ناگهانی داشتیم. هزینه آب و برق و مواد مصرفی یا رینته تورم و افزایش قیمت که به صورت رسمی اعلام می‌شود با واقعیت تفاوت دارد. افزایش قیمت ۲۵درصدی بوده اما ممکن است آمار رسمی افزایش ۱۵درصدی را بیان کند. برای کارهای سینمایی شرایط متفاوت بوده و قیمت هر کالایی متفاوت است.

واقعیت امر این است که الان نمی‌شود رقم دقیقی را ارایه کرد. چراکه هزینه‌ها به حاطر جهش قیمت همچ چیز از روش تا فند تغییر کرده است. باید طبق یک منبع موثق اقزایش‌ها را به صورت آماری برآورد کرد. اقلام سینمایی که از خارج به ایران می‌آیند حدود دو برابر افزایش قیمت داشته‌اند. در مورد افزایش دقیق دستمزد بازیگرها نمی‌توانم نظر خاصی بدهم اما می‌دانم کسی که چهار سال پیش می‌شد با او یا دستمزد ۲۰میلیونی قرارداد بست الان بالای ۱۰۰میلیون تومان مزد می‌گیرد. فیلم‌هایی که من در این سه سال تولید کردم عبارتند از: «یکی از ما دو نفر»، «تومسحاب»، «داماس خوس نشان».

در آخرین فیلم «داماس خروش نشان» ما عمدتا بازیگرهای آماتور داشتیم. اما در فیلم «یکی از ما دونفر» نسبت به فیلم‌های چهار، پنج برابر افزایش دستمزد داشتیم. من فکر می‌کنم در این شرایط فیلمسازان مستقل با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. ما با نگرانی‌های زیاد اما مثل همیشه در حال کار کردن هستیم. برداشتن پارتاها هم بسیار سخت و دیالوگ‌ها هم بسیار زیاد. افزایش قیمت وحشتناک بود و در این مورد ما نتیجه معکوس گرفتیم. شاید بخش صنعت کشور صدمه زیادی دیده باشد. سینما هم بخشی از صنعت است. عده‌ای شاید استدلال بیاورند اگر کمکی برای حیران هنرهای ساخت یک فیلم بدانند. اما این مساله را نمی‌شود به کل فیلم‌ها تعمیم داد. یک تهیه‌کننده در شرایط خاص می‌تواند از اسپانسر به عنوان کمک استفاده کند.

بررسی مشکلات سینما طی ۳ سال گذشته به روایت تهیه‌کنندگان
سینما زیر بار افزایش هزینه‌ها

سال دیگر همین موقع‌ها محمود احمدی‌نژاد و اعضای کابینه‌اش دیگر مسوولیتی در قبال اتفاق‌هایی که در حوزه هنر و سینما افتاده است ندارند. اگر دیگر می‌توند مسوولان سابق که در مقابل هیچ چیزی پاسخگو نیستند شاید به روال این مدت چند نام در این دوران بیش از همه به یاد خواهد ماند و بس. مسوولانی که شاید به گوشه‌ای بروند و فقط برای اعلام نظرها به میدان بیایند یا مانند مسوولان فیلم سینمایی همچون جعفری لوح و محمود اربابی مدام بگویند نه ما هیچ اظهارنظری نمی‌کنیم. مسوولان فیلی دوره‌ای هیچ اتفاقی نمی‌افتد که نه ماجرای سنتوری، نه ماجرای نامه فرح دیبا و نه اتفاق ماندنه یا نماندنه خانه سینما و فیلم‌هایی که مهر توقیف بر آن خورده شد. در دولت نهم گفته می‌شد که تعداد فیلم‌های سینمایی نسبت به دوره قبلی از ۷۵ عنوان به ۱۰۰ عنوان رسیده و افزایش ۱۵درصدی داشته است. اکنون نیز وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد سال ۸۴ که ابتدای دولت نهم محسوب می‌شود، در حوزه نمایش خانگی ۴۰میلیون نسخه فیلم تکثیر و در سال ۹۰ این آمار به ۴۵۰میلیون نسخه رسید. در واقع این میزان تولید و توزیع بیش از پنج برابر شده است.» اما آمار رسمی می‌گوید ۴۵درصد کاهش مخاطب آن هم اصال در سینماها داشتایم. در طول یک ماه فقط چهار فیلم به مرحله فیلمبرداری رسیده‌اند. گفته می‌شود برای اکران فیلم‌ها به ماحباشان پول داده می‌شود اما رییس سازمان سینمایی تاکید دارد که چون عده‌ای حالشان خوب نیست فکر می‌کنند حال سینما هم خوب نیست. در این روزها هر اتفاق کوچکی تبدیل به بحران می‌شود از ساخت لایه تا اکران عبدطهر تا نفاذن و دادن مجوز و...

این بار به سراغ جای خالی نام‌های بزرگ نرفته‌ایم که در طول این سه سال اخیر فیلمی نساخته‌اند. نام‌هایی که جای خالی‌شان مدام بیشتر می‌شود اما کمتر از بهمن فرامرز را بود. اینک نوبت به مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی هم رسیده که فیلمنامه‌هایشان در طول چهف یا سایل دیگر مجوز ساخت را گرفته‌اند. اما مثل همیشه در حال کار کردن هستیم. برداشتن پارتاها هم بسیار سخت و دیالوگ‌ها هم بسیار زیاد. افزایش قیمت وحشتناک بود و در این مورد ما نتیجه معکوس گرفتیم. شاید بخش صنعت کشور صدمه زیادی دیده باشد. سینما هم بخشی از صنعت است. عده‌ای شاید استدلال بیاورند اگر کمکی برای حیران هنرهای ساخت یک فیلم بدانند. اما این مساله را نمی‌شود به کل فیلم‌ها تعمیم داد. یک تهیه‌کننده در شرایط خاص می‌تواند از اسپانسر به عنوان کمک استفاده کند.

سال دیگر همین موقع‌ها محمود احمدی‌نژاد و اعضای کابینه‌اش دیگر مسوولیتی در قبال اتفاق‌هایی که در حوزه هنر و سینما افتاده است ندارند. اگر دیگر می‌توند مسوولان سابق که در مقابل هیچ چیزی پاسخگو نیستند شاید به روال این مدت چند نام در این دوران بیش از همه به یاد خواهد ماند و بس. مسوولانی که شاید به گوشه‌ای بروند و فقط برای اعلام نظرها به میدان بیایند یا مانند مسوولان فیلمی سینمایی همچون جعفری لوح و محمود اربابی مدام بگویند نه ما هیچ اظهارنظری نمی‌کنیم. مسوولان فیلی دوره‌ای هیچ اتفاقی نمی‌افتد که نه ماجرای سنتوری، نه ماجرای نامه فرح دیبا و نه اتفاق ماندنه یا نماندنه خانه سینما و فیلم‌هایی که مهر توقیف بر آن خورده شد. در دولت نهم گفته می‌شد که تعداد فیلم‌های سینمایی نسبت به دوره قبلی از ۷۵ عنوان به ۱۰۰ عنوان رسیده و افزایش ۱۵درصدی داشته است. اکنون نیز وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد سال ۸۴ که ابتدای دولت نهم محسوب می‌شود، در حوزه نمایش خانگی ۴۰میلیون نسخه فیلم تکثیر و در سال ۹۰ این آمار به ۴۵۰میلیون نسخه رسید. در واقع این میزان تولید و توزیع بیش از پنج برابر شده است.» اما آمار رسمی می‌گوید ۴۵درصد کاهش مخاطب آن هم اصال در سینماها داشتایم. در طول یک ماه فقط چهار فیلم به مرحله فیلمبرداری رسیده‌اند. گفته می‌شود برای اکران فیلم‌ها به ماحباشان پول داده می‌شود اما رییس سازمان سینمایی تاکید دارد که چون عده‌ای حالشان خوب نیست فکر می‌کنند حال سینما هم خوب نیست. در این روزها هر اتفاق کوچکی تبدیل به بحران می‌شود از ساخت لایه تا اکران عبدطهر تا نفاذن و دادن مجوز و...

این بار به سراغ جای خالی نام‌های بزرگ نرفته‌ایم که در طول این سه سال اخیر فیلمی نساخته‌اند. نام‌هایی که جای خالی‌شان مدام بیشتر می‌شود اما کمتر از بهمن فرامرز را بود. اینک نوبت به مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی هم رسیده که فیلمنامه‌هایشان پارتاها هم بسیار سخت و دیالوگ‌ها هم بسیار زیاد. افزایش قیمت وحشتناک بود و در این مورد ما نتیجه معکوس گرفتیم. شاید بخش صنعت کشور صدمه زیادی دیده باشد. سینما هم بخشی از صنعت است. عده‌ای شاید استدلال بیاورند اگر کمکی برای حیران هنرهای ساخت یک فیلم بدانند. اما این مساله را نمی‌شود به کل فیلم‌ها تعمیم داد. یک تهیه‌کننده در شرایط خاص می‌تواند از اسپانسر به عنوان کمک استفاده کند.

تهیه‌کنندگان در گفت‌وگو با «شرق»:
تضمینی برای بازگشت سرمایه نیست

زهرا عزیزمحمدی

طی سه سال گذشته همه خرج‌های ریز و درشت یک پروژه سینمایی به علاوه دستمزد عوامل آن همانند سایر هزینه‌هایی که ابعاد مختلف اقتصادی جامعه را تحت تاثیر قرار داد، رشد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. تهیه‌کنندگان، افزایش هزینه‌های تولید را با مقایسه بودجه‌ای که صرف ساخت فیلم‌هایشان می‌کنند، توضیح می‌دهند.

«علی سرتیپی» در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «بدون اغراق می‌توان گفت در این سال‌ها هزینه‌ها چه به لحاظ تولید و چه پس از تولید ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد رشد داشته است. فکر نمی‌کنم فیلمی مثل «ورود آقایان ممنوع» که با بودجه ۴۰۰میلیون‌تومان ساخته شد الان با کمتر از یک‌چهارم آن ساخته شود. الان با کمتر از ۱۰۰میلیون تومان هم نمی‌شود فیلم ساخت. در نهایت فیلم‌های ما در اکران هزینه تولیدشان را هم درنیاورده‌اند. اگر نگاهی به آمار فروش فیلم‌ها در سال گذشته داشته باشیم به وضوح خواهیم دید اکثر فیلم‌هایی که در نیمه دوم سال اکران شدند کمتر از ۵۰۰میلیون تومان در سینماهای تهران فروخته‌اند و نتوانستند با اقبال مواجه شوند. سال گذشته شاید فقط به تعداد انگشتان یک دست فیلم‌های پرفروش داشتیم که توانستند با مخاطب ارتباط خوبی برقرار کنند. این باز به سراغ تهیه‌کنندهها رفته‌ایم. آنانی که ساخت فیلم‌هایشان در گرو مبالغی است که می‌توانند در اختیار یک فیلم سینمایی بگذارند. می‌خواستیم بدانیم وقتی فیلم‌ها هیچ فروشی ندارند آنان چطور فیلم می‌سازند و در این سه سال چقدر تفاوت هزینه به خاطر مسایل مختلف از جمله حذف یارانه‌ها، بالارفتن نرخ نوار و حتی تغییر دستمزدها پیش آمده است. ساختمانه فیلمی که در مراحل پایانی ساخت قرار دارد، بالارفتن نرخ نوار می‌ماند. قرار نیست کسی حتی به صورت حداقلی آن را در اختیار دیگران قرار دهد. به همین دلیل برخی نکته‌ها که مهم بود همچون دستمزدها به صورت تقریبی بیان شد. اما یک نکته بیش از هرچیزی به چشم می‌خورد هر فیلمی که ساخته شود همچون سرتیپی ستاره‌ها را تضمین کننده فروش و امیدی برای تامین هزینه فیلم‌هایشان می‌دانند و سینمای بدون ستاره را نامفهوم می‌خوانند.

حبیب‌الله کاسه‌ساز از بازیگر، کارگردان و فیلمنامه‌نویس به عنوان باشنده اشیل سینما یاد می‌کند و معتقد است در سینمای ایران ستاره‌ای وجود ندارد اما بازیگران هم به نسبت هزینه‌های پشت دوربین قیمت‌شان را بالا برده‌اند. او میانگین دستمزدهایی که برای بازیگران پرداخت کرده ۶۰میلیون تومان اعلام می‌کند.

«محمدحسین فرجبخش» این افزایش قیمت را چندین‌برابر دانسته و در این‌باره به «برنگار» «شرق» می‌گوید: «ستاره‌ها به دلیل تدبیرهای غلطی که تهیه‌کنندهها برای کار خودشان ایجاد کردهاند، تلفه‌لیو و فیلم‌های سخیف و سطحی که در سوپرمارکت‌ها فروخته می‌شوند تبدیل شده‌اند بال رفته است. هزینه‌های سینما به این‌گونه فیلم‌ها لطف کردند، رفتند در آنها بازی کردند و این‌گونه از دست رفتند. ستاره‌های ما در سه چهار سال اخیر طراوت خودشان را از دست دادهاند؛ آنها که نباید در فیلم شانه تخم‌مرغی یا سریال تلویزیونی بازی کنند. این هم به سینما و هم به خود ستاره‌ها صدمه زده و حالا قیمتشان هم به دلیل کارهای پدیدویی و تلویزیونی بالا رفته است. هرچند سینما جولاگوی این دستمزدها نیست و هرکس هم می‌دهد دچار ضرر و زیان می‌شود.» وی ضمن تاکید بر لزوم حضور ستاره‌ها در سینما می‌افزاید: «من با اکثر ستاره‌ها کار کردهام و خیلی‌هایشان را خود من به سینما آوردهام. سینمای بدون ستاره معنا ندارد اما اگر فیلم از جذابیت‌های لازم برخوردار نباشد ستاره‌ها هم هیچ کاری برای فیلم نمی‌توانند انجام دهند.»

فریبخش با انظار اینکه مبلغ پرداختی به بازیگران را طبی این سه سال به خاطر نسازد ادامه می‌دهد: «دستمزدهای بالا از طرف تشکیلات غیرحرفه‌ای داده می‌شود و پیوقاییم هیچ‌گاه دستمزد غیرمنطقی به بازیگری نداده است.»

ادعای استقلال تهیه‌کنندگان

«علی سرتیپی» معتقد است بخش خصوصی در سینمای ما به شدت ضعیف شده و این موضوع به حاکمیت سینمای دولتی می‌انجامد. تهیه‌کننده «پل چوبی» که هزینه تولید این فیلم را نزدیک به یک میلیارد تومان بیان کرده به «شرق» می‌گوید: «بیمه‌اگران از تضمین کنندهها و